

شاید با آوردن مقاله‌های اتحاد، جایی برای آوردن نوشته‌ی محمود مهرداد نباشد، با این همه، نه تنها آن را می‌آورم که مقاله باقر عاقلی را هم به آن می‌افزایم؛ نه از آن روی که نکته‌ای تازه را در این گونه نوشته‌ها می‌توان یافت، که بیشتر با این هدف که از وضع موجود تاریخ و تاریخ نگاری تصویری را در نگاه بنشانم. بی آن که هیچ اظهار نظری کنم، از مخاطب می‌پرسم:

با تأمل در آن چه در زمینه‌ی اصلاحات شوستر گذشت، چه مطلب تازه‌ای را در این گونه نوشته‌ها می‌توان یافت؟

به ویژه تیتراها را بنگریم، که نمونه‌ای است از بازار آشفته‌ای که در آن هر کسی هر کسی می‌باشد!

روابط ایران و آمریکا^(۱)

و سرگذشت جالب و خواندنی آن

نگارش: محمود مهرداد - ماهنامه نیروی هوایی

روابط دیپلماسی ایران و آمریکا از کی و چگونه آغاز شد

هر سال عده کثیری از ایرانیان جهت تکمیل تحصیلات خود و احراز تخصص در رشته‌های گوناگون به ایالات متحده آمریکا اعزام می‌شوند.

اینک سعی می‌شود تا خوانندگان علاقمند روابط ایران و آمریکا بطور اختصار با تاریخچه آن آشنا گردند و ضمناً راجع به وضع تحصیلی و شرایط تحصیلی در آمریکا اطلاعات مفیدی در اختیار داشته باشند.

از تاریخ برقراری روابط سیاسی و تجارتي بين ايران و آمريکا بيش از يك قرن مي‌گذرد. ولي پيش از روابط سياسي و بازرگاني ميان دو کشور، ميسيون‌هاي مذهبي آمريکا و پزشکان و معلمان آمريکايي، ايرانيان را با آمريکا و مردم آمريکا آشنا ساختند. به موجب اسناد و مدارکي که در دست است، نخستين آمريکايي‌هايي که به ايران آمدند دو کشيش بودند که به سال ۱۲۴۴ قمری - برابر با ۱۸۲۹ ميلادي براي مطالعه درباره امکان فعاليت ميسيون‌هاي مذهبي به آذربايجان آمدند.

اين دو کشيش که اسامي آنها «اسميت» و «دوايت» بوده است پس از مراجعت به آمريکا نتيجه مطالعات خود را به جمعيت مبشرين پرستان آمريکا گزارش دادند. اين جمعيت ميسیونی را به رياست دکتر پرکينز به ايران فرستاد و دکتر پرکينز تا سال ۱۸۲۶ علاوه بر يك کليسای پرستان، يك مدرسه، يك بیمارستان و مطبوعه و کتابخانه کوچکی هم در اروميه (رضائيه امروز) دايگر کرد. نخستين تماس‌ها براي برقراري روابط سياسي و تجارتي بين ايران و آمريکا در نيمه قرن نوزدهم در اوایل سلطنت ناصرالدين شاه قاجار صورت گرفت. در آن زمان ميرزا قاسم خان والي وزير دولت متبوعه خود با نماينده سياسي آمريکا در روسيه تماس گرفت و نتيجه مذاکرات خود را به تاريخ ۱۲۷۲ هجري قمری به تهران گزارش داد.

در اين گزارش ميرزا قاسم خان والي تمايل آمريکايي‌ها را به برقراري روابط سياسي و تجاري با ايران اطلاع داده و اين نکته را نيز متذکر مي‌شود که انگليسي‌ها باطناً با آمريکايي‌ها مخالفند و ممکن است در راه برقراري روابط ايران و آمريکا اخلال کنند.

سه سال پس از اين تماس نخستين به دنبال مکاتباتي که شرح همه آنها موجب طولاني‌گريديدن کلام خواهد شد. فرخ خان امين الملک که در مدت ماموريت خود در دربار عثماني مذاکراتي با کارول اسپنس وزير مختار آمريکا در دربار عثماني به عمل آورده بود مامور انعقاد نخستين قرار داد مودت و تجارت بين ايران و آمريکا شد. اين قرار داد به تاريخ ۱۲ دسامبر سال ۱۸۵۶ در قسطنطنيه به امضا رسيد و پس از تصويب در کنگره آمريکا از طرف ناصرالدين شاه قاجار و فرانکلين پيرس رئيس جمهوري

آمریکا توشیح گردید.

در آن موقع اطلاعاتی که ایرانی‌ها از آمریکا داشتند بسیار محدود بود و ایالات متحده آمریکا را در ایران به نام «ینگی دنیا» می‌شناختند که از اصطلاح ترکی «ینی دینا» یا دنیای جدید گرفته شده است. مردم عامی تصور می‌کردند که ینگی دنیا سرزمین وحشیان و سرخپوستان است، ولی ناصرالدین شاه و رجال وقت کم یا بیش از پیشرفت‌های آمریکا و قدرتی که در آن سوی دریاها بوجود آمده بود اطلاعاتی داشتند. اطلاعات آمریکایی‌ها درباره ایران نیز در این دوره بسیار محدود بوده و تنها محافل ادبی و روشنفکران آمریکایی اطلاعاتی درباره ایران و ادبیات ایران داشته‌اند، از برجسته‌ترین نویسندگان آمریکایی که درباره ادبیات و فلسفه و عرفان در ایران اطلاعاتی داشته‌اند باید رالف والد و امرسون را نام برد که پیش از فیتز جرالده قسمتی از رباعیات خیام و قطعاتی از حافظ و سعدی و نظامی را به انگلیسی ترجمه کرده و ادبیات ایران را یک قرن پیش به آمریکاییان معرفی کرده است.

از نویسندگان دیگر آمریکایی که آثاری درباره ایران منتشر کرده‌اند ادگار آلن پو و فیلیپ فرنو و والت وبتمن را باید نام برد.

جنگ داخلی آمریکا و حوادثی که به دنبال امضای نخستین قرارداد سیاسی و تجارتي ایران و آمریکا در آن کشور روی داد از اجرای این قرارداد و برقراری روابط سیاسی بین ایران و آمریکا جلوگیری کرد تا این که در سال ۱۸۶۹ آمریکا با اعزام یک وزیر مختار به ایران در برقراری روابط سیاسی بین دو کشور پیش قدم شد و یک سال بعد از آن نیز «جیمزباست» آمریکایی نخستین مرکز میسیونری مذهبی آمریکا را در تهران تاسیس کرد.

نخستین سفیر کبیر آمریکا در ایران بنجامین نام داشت که در ژانویه سال ۱۸۸۳ برابر با ربیع‌الاول ۱۳۰۰ قمری عازم ایران شد و پس از ۵ ماه به تهران رسید. بنجامین در یازدهم ژوئن همان سال استوارنامه‌های خود را از طرف پرزیدنت «چستر، آرتور» رئیس جمهوری وقت آمریکا تقدیم ناصرالدین شاه کرد. بنجامین پس از مراجعت از

ایران در سال ۱۸۸۷ خاطرات ماموریت خود را در ایران در کتابی به نام «ایران و ایرانیان» منتشر کرد.

اولین سفیری که از ایران به آمریکا رفت حسین قلی خان معتمدالوزاره بود که تازه از سفر مکه بازگشته و حاجی شده بود. حاج حسین قلی خان که بعد از ماموریت آمریکا به حاج واشنگین معروف شد، در سال ۱۸۸۸ به آمریکا رفت و گزارش‌هایی که از این مأموریت برای ناصرالدین شاه فرستاده در عین حال که برای خوانندگان امروزی کمی مضحک به نظر می‌رسد، از تیزبینی او و درک واقعیات زمان حکایت می‌کند.

حسین قلی خان در این گزارش‌ها حیرت و شگفتی خود را از سیستم حکومت آمریکا و محدودیت اختیارات رئیس حکومت و دقتی که در اجرای قوانین و جلوگیری از سوء استفاده و حیف و میل بیت المال به عمل می‌آید، ابراز می‌دارد. ولی دقت در لحن این گزارشات نشان می‌دهد که حسین قلی خان یا «حاج واشنگین» تحت تأثیر دمکراسی آمریکا قرار گرفته و به زبان ساده خود می‌خواهد مزایا و محاسن این طرز حکومت را به سلطان مستبد قاجار گوش زد نماید.

سفرای بعدی ایران در آمریکا که به ترتیب اسحاق مفخم، مرتضی خان ممتازالملک و مهدی خان امیر تومان بوده‌اند، مانند حسین قلی خان معتمدالوزاره تحت تأثیر سیستم حکومت آمریکا و آزادی مردم آن قرار گرفته‌اند. و گزارشات و خاطرات آنها در بوجود آوردن محیط مساعدی که به برقراری مشروطیت ایران منجر شد بی‌تأثیر نبوده است.

به موازات برقراری روابط سیاسی بین ایران و آمریکا روابط فرهنگی دو کشور نیز توسعه یافت و یکی از اساتید آمریکایی به نام «سامویل وارد» که در سال ۱۸۸۷ به ایران آمده بود نخستین کالج آمریکایی را در محل فعلی دبیرستان البرز بنا نهاد.

در سال ۱۸۹۸ دکتر جردن و خانمش برای سرپرستی و اداره این مدرسه به تهران آمدند که خدماتشان به فرهنگ ایران و زحماتی که در راه تعلیم و تربیت جوانان ایرانی

کشیدند فراموش نشدنی است. دکتر جردن با همکاری یک شخصیت فرهنگی دیگر آمریکایی بنام دکتر بویس مدرسه آمریکایی تهران را توسعه داد و نخستین مدارس دخترانه به سبک جدید نیز در همان زمان به دست آمریکاییان گشایش یافت.

در اواخر قرن نوزدهم گروهی از اطباء آمریکایی نیز در ایران مشغول کار شدند و در سال ۱۸۹۳ یک بیمارستان آمریکایی در ایران گشایش یافت که از میان پزشکان آن دکتر ریچارد جراح معروف آمریکایی را باید نام برد.

نقش آمریکایی‌ها را در تحولات سیاسی بدو مشروطیت نیز نباید فراموش کرد. آمریکاییان که از یک کشور آزاد و دمکرات به کشور ما آمده بودند طبعاً طرفدار آزادی و مشروطیت ایران بودند و حتی در این راه قربانی دادند. در تاریخ مشروطیت ایران نام یک جوان آمریکایی بنام هوارد باسکرویل با حروف زرین به ثبت رسیده است، این جوان آزاده که از معلمان مدرسه آمریکایی تبریز بود دوش به دوش ستارخان با قوای استبداد جنگید و در سال ۱۹۰۹ جان خود را بر سر این راه نهاد.

در سال ۱۹۱۰ دولت ایران برای نخستین بار از دولت آمریکا درخواست اعزام یک هیأت مستشاری در امور اقتصادی و مالی نمود. دولت آمریکا با این درخواست موافقت کرد و پس از تصویب لایحه استخدام مستشاران مذکور در مجلس شورای ملی هیأتی به ریاست مورگان شوستر که به عنوانه خزانه دار کل به استخدام دولت ایران در آمده بود در اواسط سال ۱۹۱۱ شروع به کار کرد و وضع مغشوش خزانه ایران را در مدتی کمتر از یک سال سر و صورت داد.

مورگان شوستر پس از انتظام وضع خزانه و ترتیب وصول مالیات‌ها و اصلاح وضع گمرگ ایران به تدوین یک سلسله قوانین و مقررات مالیاتی پرداخت، ولی موفقیت‌های وی سیاست‌هایی را که از نفوذ آمریکایی‌ها در ایران دل خوش نبودند و بطور کلی اصلاح اوضاع ایران را به صلاح خود نمی‌دانستند به تحریک و مخالفت وا داشت.

این تحریکات به واقعه سفاخانه و تیراندازی به سوی یکی از مستشاران آمریکایی

در ایران منجر شد^(۱) و مستشاران آمریکایی نیز به دنبال این واقعه به تدریج ایران را ترک گفتند. مورگان شوستر پس از مراجعت از ایران کتابی به نام «اختناق ایران» نوشته که حاوی خاطرات وی از مأموریت ایران و اوضاع آن زمان می‌باشد.

ده سال پس از خروج میسیون مورگان شوستر از ایران هیأت مستشاری دیگری از آمریکا به ریاست دکتر میلیسیو برای اصلاح وضع مالیه ایران استخدام شد و خدمات شایان توجهی انجام داد. موفقیت میسیون مالی و اقتصادی دکتر میلیسیو در آن موقع موجب شد که دولت ایران در زمان جنگ دوم جهانی و اشغال ایران از طرف قوای متفقین مجدداً دکتر میلیسیو را به سمت ریاست کل دارایی ایران استخدام نماید.

ولی دکتر میلیسیو در دوره دوم فعالیت خود در ایران مرتکب اشتباهات فراوانی شد و موفقیتی به دست نیاورد. دکتر میلیسیو در این مأموریت از حدود وظایف خود نیز خارج شد و با مداخلات خود در امور داخلی ایران مشکلاتی بوجود آورد که سرانجام به خاتمه خدمت وی منجر گردید.

در سال‌های جنگ و اشغال ایران از طرف نیروهای آمریکا و انگلیس عده‌ای از نیروهای آمریکایی نیز به ایران اعزام شدند. در همین سال بود که موقعیت حساس جغرافیایی ایران توجه سیاستمداران و نظامیان آمریکایی را به خود جلب کرد و در حاشیه مسایل سیاسی و استراتژیکی، منابع ثروتمند نفت و بازار تجارتي ایران نیز سرمایه داران و صاحبان صنایع و ترانس‌های نفتی آمریکا را متوجه خود ساخت.

پس از پایان جنگ جهانی، مسأله ادامه اشغال ایران و بحران آذربایجان اهمیت نقش سیاسی جدید آمریکا را در ایران افزایش داد و امروز می‌توان گفت که اولتیماتوم ترومن رئیس جمهوری آمریکا به استالین در سال ۱۹۴۶ نقش بسیار مهم و موثری در تخلیه آذربایجان از تجزیه طلبان و عدم پشتیبانی روس‌ها از آنان داشته است.

۱- واقعه سفارخانه بی‌تردید گویای واقعیت‌هایی است مربوط به ناخرسندی روس و انگلیس از حضور آمریکا در ایران. با این همه، به نظر می‌رسد که آن چه در ناکامی شوستر سرنوشت ساز بود، چیزی جز مصادره اموال شعاع‌السلطنه نبود.

از پایان جنگ دوم جهانی به این طرف آمریکایی‌ها کمک‌های اقتصادی و نظامی و فنی موثری به ایران نموده متقابلاً در سیاست و اقتصاد ایران نقش درجه اولی را به دست آورده‌اند.

سیاست آمریکا در بسیاری از تحولات پس از جنگ ایران نقش موثری داشته و در تجارت با ایران آمریکا مقام اول یا دوم را به دست آورده است.

(به موجب آمار رسمی سال ۱۳۴۴ درباره وضع تجارت خارجی ایران، آمریکا دومین صادرکننده و دومین واردکننده کالاهای بازرگانی از ایران بوده است. بزرگ‌ترین فروشنده کالا به ایران در سال ۱۳۴۲ آلمان غربی بوده است که در عرض یک سال ۸۱۴۸۱۸۶ ریال کالا به بازارهای ایران فرستاده و آمریکا با صدور ۶۲۵۹۶۴۲ ریال کالا به ایران مقام دوم را اشغال کرده است.

در جدول کالاهای صادراتی ایران، شوروی با خرید ۱۳۰۳۳۹۶ ریال کالا از ایران مقام اول و آمریکا با خرید ۱۲۰۸۸۹۸ ریال کالا از ایران مقام دوم را دارند (صادرات مواد نفتی در این جدول به حساب نیامده است).

پس از ملی شدن نفت ایران و انعقاد قرار داد جدید نفت نیز کمپانی‌های آمریکایی ۴۰ درصد سهام کنسرسیوم نفت ایران را بدست آورده‌اند و در قراردادهای بعدی که برای استخراج نفت از بخش‌های نفتی دیگر ایران امضاء شده کمپانی‌های آمریکایی از دیگران پیش افتاده‌اند.

آمریکا با ایران یک قرارداد دفاعی دو جانبه امضاء کرده و در سازمان پیمان مرکزی (سنتو) نیز که ایران عضو آن است به عنوان ناظر شرکت دارد. آمریکا همچنین در ایران دارای یک هیأت مستشاری نظامی است و کادر سیاسی آمریکا در ایران قوی‌ترین و وسیع‌ترین کادرهای دیپلماتیک خارجی در ایران می‌باشد.

ایرانیان در آمریکا

تا قبل از جنگ جهانی اخیر تعداد ایرانیانی که به قصد گردش و اقامت یا تحصیل به

آمریکا می‌رفتند بسیار محدود بود و تعداد تحصیل کرده‌های آمریکا که پیش از جنگ تحصیلات خود را در آن کشور به پایان رسانده‌اند در مقایسه با تحصیل کرده‌های اروپا در همان دوره بسیار ناچیز است. ولی در ۲۵ سال اخیر تعداد ایرانیانی که به قصد تحصیل یا گردش و اقامت به آمریکا می‌روند از بسیاری از کشورهای اروپایی بیشتر بوده و همچنان رو به افزایش است.

تعداد ایرانیانی که تنها در سال ۱۹۶۴ به قصد تحصیل یا گردش و کار به آمریکا مسافرت کرده‌اند بیش از ۴۵۰۰ نفر بوده و این رقم بیش از دو برابر ایرانیان است که در سال ۱۹۶۱ به آمریکا رفته‌اند.

(به موجب آماري که از منابع آمريکايي در تهران گرفته شده در سال ۱۹۶۱ کنسول‌گري‌های آمريکا گذرنامه ۲۲۱۹ نفر ايراني را ويزا کرده‌اند که ۴۷۰ فقره آن گذرنامه تحصيلي بوده است. در سال ۱۹۶۲ اين رقم به ۲۷۴۴ و سال بعد ۴۰۸۳ رسیده است تعداد گذرنامه‌های ايراني که در سال ۱۹۶۴ از طرف کنسول‌گري‌های آمريکا ويزا شده ۴۷۰۷ فقره بوده که ۱۰۱ فقره آن به عنوان تحصيل در آمريکا صادر شده است.

درباره تعداد محصلين ايراني در آمريکا هيچ یک از مقامات رسمي ايران و آمريکا آمار دقيق و مطمئني در دست ندارند زيرا عده‌ای از محصلين ايراني با گذرنامه عادي به آمريکا مسافرت کرده و ضمن تحصيل در يکي از کالج‌ها يا مدارس حرفه‌ای به کار اشتغال دارند. تعداد دانشجويان ايراني که با گذرنامه تحصيلي در آمريکا تحصيل می‌کنند، به موجب آخرين آمار رسمي وزارت آموزش و پرورش ۵۶۵۹ نفر بوده که اگر دانشجويان دارای گذرنامه عادي را هم به آنها بيفزاييم از رقم شش هزار نفر تجاوز می‌نماید. دانشجويان مذکور در ۴۵ ايالت آمريکا پراکنده‌اند، ولی قسمت اعظم آنها در ايالات کاليفرنيا و نيويورک و ايلينوي و پنسيلوانيا به سر می‌برند.

برای مقایسه تعداد دانشجويان ايراني با مجموع دانشجويان خارجي مقیم آمريکا به آماري که چندی پیش از طرف انستيتوي آموزش و پرورش بين‌المللي انتشار پافت مراجعه می‌کنيم.

به موجب این آمار در سال تحصیلی ۶۴ - ۱۹۶۳ بالغ بر ۷۵۰۰۰ دانشجوی خارجی در آمریکا به تحصیل اشتغال داشته‌اند. که از آن میان کانادا و هند و ژاپن و ایران از لحاظ تعداد دانشجویان مقیم آمریکا به ترتیب مقام اول تا چهارم را داشته‌اند. این آمار نشان می‌دهد که تعداد دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا از دانشجویان کلیه کشورهای خاورمیانه و اروپا و حتی آمریکای لاتین که همسایه نزدیک ایالات متحده آمریکا هستند بیشتر است.

درباره وضع دانشجویان غیر نظامی ایرانی در آمریکا و شرایط تحصیل آنها تا به حال مطالب زیادی در صفحات مطبوعات ایران عنوان شده، ولی اکثر این مطالب یک طرفه بوده و نویسندگان این مطالب یا لحن انتقادی تندی داشته و مزایای تحصیل در آمریکا را به کلی فراموش کرده‌اند و یا زبان به تعریف و تمجید گشوده و مضاد کار و تحصیل در آمریکا را از یاد برده‌اند.

نویسنده این مقاله، برای این که بتواند جوانان غیر نظامی را که به قصد تحصیل راه آمریکا را در پیش می‌گیرند و والدین آنها را صادقانه و بی طرفانه راهنمایی کند با بسیاری از آمریکایی‌ها و ایرانیانی که در آمریکا تحصیل کرده و یا مدتی مقیم آن کشور بوده‌اند گفت و گو کرده و نتیجه این مطالعات و تحقیقات به اختصار از این قرار است: نخست آن که در مورد کار و تحصیل در آمریکا، یعنی کار کردن ضمن تحصیل که عده زیادی از جوانان ما را به رفتن آمریکا تشویق می‌نماید نباید مبالغه کرد: کاری که معمولاً یک محصل ایرانی با اطلاعات محدود در زبان انگلیسی می‌تواند در آمریکا انجام دهد از حدود گارسونی و ظرف شویی و حداکثر پادویی یک کارخانه و کارگاه تجاوز نمی‌کند و دستمزدی که در برابر این کارها به محصلین خارجی می‌دهند به زحمت کفاف معاش روزانه و اجاره محل سکونت و هزینه رفت و آمد آنها را می‌نماید. مجلس که می‌خواهد به این ترتیب هزینه زندگی و تحصیل خود را فراهم نماید آن طور که شاید و باید به کار تحصیل خود نمی‌رسد، و طبعاً دوره کالج یا دانشگاهی را که در آن تحصیل می‌کند در مدت طولانی‌تری به پایان می‌رساند.

هر خارجی که با گذرنامه عادی به آمریکا سفر کرده و می‌خواهد در آن کشور کار کند باید اجازه نامه مخصوصی از اداره مهاجرت آمریکا بگیرد.

دانشجویانی که گذرنامه تحصیلی در اختیار دارند باید از مدرسه یا دانشگاهی که در آن تحصیل می‌کنند چنین اجازه نامه‌ای بگیرند و آن را به تصویب اداره مهاجرت آمریکا برسانند. کار یک خارجی بدون داشتن چنین پروانه‌ای قانونی نیست.

بهترین راه برای یافتن کار در آمریکا اعلانات کوچک روزنامه‌های محلی است. اکثر دانشگاه‌ها و مدارس آمریکا هم دفاتری برای راهنمایی دانشجویان برای کارهایی که مناسب حالشان باشد دارند. بعضی از خانواده‌های آمریکایی نیز به این دفاتر رجوع کرده در مقابل انجام کارهای خانه حاضر می‌شوند به دانشجویان غذا و مکان بدهند.^(۱)



دروس سالانه کالج‌ها و دانشگاه‌های آمریکا به دوره‌های سه ماهه یا چهارماهه تقسیم می‌شود و دانشجویانی را به پایان برسانند می‌توانند از دوره‌های فوق‌العاده تابستانی هم استفاده نمایند، ولی دانشجویانی که برای تامین معاش و مخارج تحصیل خود کار می‌کنند نه فقط نمی‌توانند از این دوره فوق‌العاده استفاده کنند، بلکه غالباً از دوره‌های عادی سالانه هم زده و سالی بیش از شش ماه تحصیل نمی‌کنند.

بدیهی است پیشرفت این قبیل دانشجویان یا دانشجویانی که مرتباً در سرکلاس درس حضور می‌یابند و خستگی کار روزانه می‌یابند و خستگی کار روزانه یا شبانه مانع مطالعه آنها نمی‌شود قابل مقایسه نیست.

نکته مهم دیگری که اغلب والدین جوانان غیرنظامی عازم آمریکا متوجه آن نیستند ارزش تحصیلی کالج‌ها و دانشگاه‌های مختلف آمریکا است. جوانان غیرنظامی که می‌خواهند به آمریکا بروند بیشتر آرزوی اقامت در شهرهای بزرگی مانند نیویورک و لوس آنجلس و شیکاگو را دارند و والدین خود را نیز قانع می‌سازند که ارزش و اهمیت

دانشگاه‌های این شهرها بیشتر است. در حالی که به فرض وجود کالج‌ها و دانشگاه‌های این شهرها بیشتر است. در حالی که به فرض وجود کالج‌ها و دانشگاه‌های بزرگ و معتبری در شهرهای بزرگ تحصیل برای دانشجوی غیر نظامی و جوان ایرانی در شهرهای بزرگ آمریکا چندان مناسب نیست. برای دانشجوی ایرانی که واقعاً به قصد تحصیل به آمریکا می‌روند زندگی و تحصیل در ایالات و شهرهای کوچک و دانشگاه‌های کوچک‌تر و آرام‌تر، ایمن‌تر و مناسب‌تر است.

نکته بسیار مهم دیگر این که در آمریکا علاوه بر دانشگاه‌ها و کالج‌های معتبر که تعداد آنها از دو هزار متجاوز است بیش از هزار موسسه دیپلم سازی دیگر نیز وجود دارد که ارزش تحصیلی آنها نه مورد قبول دولت آمریکا است و نه مراجع فرهنگی در ایران برای مدارک آنها ارزش قایل می‌شوند. تحصیل در این قبیل مؤسسات جز در مواردی که دانشجو حرفه‌ای بیاموزد نتیجه‌ای جز اتلاف وقت دانشجویان ندارد و برای تمیز آنها از دانشگاه‌ها و کالج‌های معتبر دانشجویان ایرانی یا والدین آنها می‌توانند لیست دانشگاه‌ها و کالج‌های معتبر و رسمی را از مؤسسات فرهنگی آمریکا در تهران یا وزارت آموزش و پرورش و سرپرستی محصلین ایرانی در آمریکا دریافت دارند. (برای راهنمایی بیشتر در این مورد و معرفی دانشگاه‌ها و کالج‌های معتبر آمریکایی که شرایط تحصیل در آنها هم سهل‌تر است داوطلبان غیرنظامی تحصیل در آمریکا می‌توانند به قسمت فرهنگی اداره اطلاعات آمریکا در تهران یا انجمن دوستان آمریکایی خاورمیانه AFME مراجعه نمایند).

اما درباره‌ی تأثیر محیط آمریکا در روحیات و اخلاق و پرورش شخصیت دانشجوی ایرانی باید گفت که تأثیر محیط آمریکا در اعمال و رفتار جوان‌های ایرانی کم یا بیش نظیر تأثیر الکل و مشروبات الکلی در نمایش شخصیت واقعی افراد می‌باشد و به قول شاعر محیط آمریکا چنان است که «آن چنان را آن چنان‌تر می‌کند».

به عبارت دیگر جوان معقول و محصل درس خوانی که از ایران به آمریکا می‌رود در آن محیط وسیله و امکانات بسیاری برای پیشرفت و رشد شخصیت خود بدست

می‌آورد، ولی جوان شروری که در یک محیط نامناسب خانوادگی پرورش یافته در آمریکا نه تنها غالباً به جوان هنرمند و با شخصیت و آراسته‌ای تبدیل نمی‌شود، بلکه امکانات وسیع‌تری برای شرارت و گمراهی خود بدست می‌آورد و فاسدتر و گمراه‌تر به وطن باز می‌گردد.

اصول روانشناسی تربیتی و تجربیات چند ساله ثابت کرده است که هرگاه جوانان غیرنظامی ایرانی قبل از سن ۱۸ سالگی یعنی پیش از کسب معلومات دوره کامل متوسطه و درک موقعیت خویش از ایران به آمریکا یا اروپا بروند هم از لحاظ رشد و تکامل شخصیت و هم از لحاظ حفظ ملیت خود، اصولاً کاری عبث و خلاف مصلحت خانواده و کشور خود انجام داده‌اند. و جوانان غیرنظامی بیش از ۱۸ سال و دیپلمه هم چنان چه وضع تحصیلی نامناسبی داشته و از نظر اخلاقی و خانوادگی «وبال‌گردن» پدر و مادر و خانواده خود باشند با تغییر محیط و عزیمت به آمریکا هم نه تنها افتخاری برای خانواده و کشور خود بدست نمی‌آورند، بلکه در اکثر موارد موجب سرافکنندگی خود و خانوادگی و کشورشان می‌شوند. (البته شرایط تحصیل و محیط زندگی دانشجویان نظامی در آمریکا به نحوی است که این بحث را در همه موارد نمی‌توان شامل حال آنها دانست).

یک ایرانی به محض ورود به آمریکا احساس می‌کند که باید از چند لحاظ وضع خود را با اوضاع و احوال منطقه خاصی از جهان منطبق سازد. نخست محیط اجتماعی نوین، که در آن کسی را با کسی کاری نیست، خورد و خوراک متفاوت که غالباً به مذاق ایرانی‌ها خوش نمی‌آید و تا مدتی آنها را از تغذیه خوب باز می‌دارد، آب و هوا و شرایط اقلیمی جدید که نسبت به ایالات مختلف شمالی و جنوبی و مرکزی فرق می‌کند و بالاخره وضع فرهنگی و سیستم تدریس کاملاً متفاوت که بحث جداگانه‌ای لازم دارد. جوانان ضعیف‌النفس در برخورد با محیط تازه و ناآشنای آمریکا و عظمت و بُعد مسافت این کشور خود را می‌بازند و تا مدتی در یک حال گیجی و بهت زدگی به سر می‌برند.

خود نویسنده در سفر آمریکا در شهر واشنگتن با یکی از این قبیل جوانان غیر نظامی برخورد کردم او با این که در یک دانشکده دولتی نام نوشته و برای مدت نامحدودی از نظر مخارج تحصیل تأمین بود در یک حالت اضطراب و نگرانی دائمی به سر می برد، به منظور صرفه جویی و ذخیره پول بیشتری به جای یک وعده غذا موز می خورد و بر اثر بدی وضع تغذیه مریض شده بود. یک ماه پس از مراجعت از آمریکا شنیدم که این جوان پس از آن که بیش از صد و پنجاه هزار ریال خرج گردن پدر و مادرش گذاشته به تهران مراجعت کرده است.

در برابر چنین جوانان ضعیف النفس، مردی را هم می شناسم که با ۱۲۰ دلار پول، یعنی هزینه کمتر از یک ماه زندگی در آمریکا به آن کشور رفته و از همان هفته دوم مسافرت مشغول کار شده است. این مرد با پشتکار و اعتماد به نفس زندگی آبرومندی برای خود فراهم کرد، و اکنون علاوه بر شغل آبرومندی که دارد در یک کالج آمریکایی هم تدریس می نماید.

برای این که بهتر به وضع تحصیل جوانان ایرانی در آمریکا و تیپ های مختلف آنها آشنا شوید، چهار نمونه از آمریکا رفته ها را که نماینده تیپ های گوناگون محصلین غیر نظامی ما در آمریکا هستند معرفی می نمایم. اشخاصی که در این جا معرفی می شوند وجود دارند و شرح احوال آنها نیز واقعیت محض است، ولی برای حفظ حیثیت خانوادگی آنها را به نام مستعار می خوانم:

«فرامرز» جوان هفده ساله ای است که دو سال در کلاس نهم رفوزه شده است. پدرش ناگهان فوت می کند و چون مادرش را نیز قبلاً از دست داده تحت قیمومیت خاله اش قرار می گیرد. پدر فرامرز ماترک و نقدینه قابل توجهی برای پسرش باقی گذاشته است بازماندگان با یکدیگر مشورت می کنند و نظر خود فرامرز را هم می خواهند... فرامرز که با مشاهده ده ها فیلم موزیکال تمام رنگی از مهرویان عربان ینگه دنیایی به افضای سن و تجربه کم خود تصویری پر زرق و برق از لوس آنجلس و کالیفرنای آمریکا دارد باگریه و بی تابي از خانواده و اولیاء خود می خواهد که به عنوان

ادامه تحصیل به آمریکا برود و مخصوصاً اصرار دارد که او را به کالیفرنیا و لوس آنجلس بفرستند. فرامرز که از لحاظ کمی سن و نداشتن زمینه معلومات کافی و عزیز دردانه بودن هدفی جز نزدیکی هرچه بیشتر به زندگی سینمایی ندارد در ایالت کالیفرنیا به مدرسه به اصطلاح «مخصوص» عکاسی عالی و فیلم برداری و کارگردانی می‌رود و با پرداخت شهریه گزاف و تهیه یک اتومبیل سواری شیک (برای ارضاء حس چشم هم چشمی با عزیز دردانه‌های دیگری که در این گونه مدارس در آمریکا گرد هم می‌آیند.) تیشه به ریشه پول‌های باد آورده یا ارثیه پدر می‌زند. و پس از ۵ سال با برباد دادن سیصد هزار تومان نقدینه و بدون آن که موفق به ادامه تحصیل شده باشد دست از پا درازتر به ایران باز می‌گردد.

فرامرز از ایران لوس و نئورفته و لوس ترباز می‌گردد. علت این شیوه کار و رفتار فرامرز را نباید در آمریکا و محیط مسموم کننده شهرهای بزرگی چون لوس آنجلس بلکه در طرز تربیت خود فرامرز و اطرافیان او جست و جو کرد.

«ناصر» جوان بیست ساله‌ای است که از نظر تحصیلی در ردیف «متوسط» قرار دارد. به همین جهت با این که با معدل متوسط از امتحانات متوسطه قبول شده و دیپلم گرفته است در کنکور دانشگاه توفیق نیافته و سرگردان است. سرانجام به توصیه و تشویق دوستان آمریکا رفته‌اش که به او می‌نویسند در آمریکا می‌شود هم کارکرد و هم درس خواند تصمیم به مسافرت آمریکا می‌گیرد. ناصر پسر بزرگ خانواده متوسطی است و پدرش فقط می‌تواند هزینه سفر و اقامت چند ماهه او را در آمریکا تامین نماید، ناصر رضایت می‌دهد و عازم آمریکا می‌شود. پس از یک ماه اقامت در نیویورک کاری برای خود دست و پا می‌کند ولی برای تامین معاش خود و پس انداز پولی برای ایام تحصیل ناچار است روزی ۱۴ تا ۱۶ ساعت کار کند. این جوان ضمن نامه‌ای به خواهرش می‌نویسد «یک شب از فرط خستگی در قطار زیر زمینی خوابم برد، وقتی که قطار به آخر خطر رسید بیدارم کردند، مجدداً با همان خط به مقصد بازگشتم، ولی خوابم برد و این ماجرا سه بار تکرار شد...»

ناصر با چنین مشقتی هزینه تحصیل خود را فراهم می‌کند، ولی در مدت تحصیل هم ناچار است کار کند، به همین جهت کالجی را انتخاب می‌کند که وقت آزاد بیشتری برای کار داشته باشد. ناصر از این کالج در رشته الکترونیک فارغ التحصیل خواهد شد و پس از خاتمه تحصیل نیز چنانچه از نظر ادامه اقامت در آمریکا مانده در آمد مکفی بدست آورد. ناصر می‌توانست رشته طب را هم انتخاب کند، ولی تحصیل طب مستلزم این بود که او شش ماه کار کند و شش ماه تحصیل نماید و در نتیجه برای اخذ درجه دکترا می‌بایست ده دوازده سال درس بخواند.

«فرهاد» نماینده تیپ دیگری از جوانان ایرانی است که به آمریکا می‌روند. او یکه تاز خانواده شده، زیرا به اصطلاح «ته تغاری» است فرهاد خان پس از سالها مردم آزاری و آبروریزی خانوادگی سرانجام با توصیه و تشبث ورقه‌ای به نام دیپلم پایان تحصیلات متوسطه را با معدل ۲۰ و ۱۰ بدست آورده است. از یک طرف می‌خواهد از نظام وظیفه بگریزد و از سوی دیگر فیلم‌های هالیوود او را قفلک می‌دهند... بعضی رفقای هم کلاسی و هم پارتی عازم آمریکا هستند. یکی دو نفرشان از آمریکا و اروپا کارت پستال‌های «اشتها آور» می‌فرستند و در دل عقب افتادگان قافله! آتش می‌افکنند. فرهاد هم آلرژی آمریکا رفتن گرفته است. شب‌ها به دنبال زنان روسی و مراکز فساد می‌رود. خبر شاه کارهایش به گوش پدر و مادر می‌رسد. نمی‌دانند چه خاکی به سر بریزند. روابط فرهاد با دختر همسایه نیز از نظر خانوادگی تناسبی با خانواده فرهادخان ندارند به جای باریک کشیده است خلاصه مطلب این که فرهاد صد در صد یاغی شده، ولی سرانجام حاضر به «تخفیف دادن» می‌شود و قبول می‌کند که برای «ادامه تحصیل» به آمریکا برود!

پدر کاسب است و اهل حساب قرار می‌گذارند چهل هزار تومان نقد برای این کار کنار بگذارند به شرط آن که فرهاد آدم بشود و دست از کثافت کاری‌هایش بردارد... از طرف دیگر قرار بر این می‌شود که پس از رفتن وی به آمریکا و با تمام شدن این چهل هزار تومان اگر فرهاد به آسمان برود و به زمین بیاید و در شرف موت هم باشد پدر و

دیگر افراد خانواده حتی یک شاهی هم به او کمک نکنند. فرهاد که صد کلمه انگلیسی نمی داند عازم آمریکا می شود. نقشه این است که در آن جا در کالجی اسم بنویسد و ضمناً برای یافتن کاری که از آن پولی حاصل شود دست و پا کند. البته گذرنامه اش هم گذرنامه معمولی است.

فرهاد تا پنج شش ماه در واشنگتن و بالتیمور مثل ریگ پول خرج می کند. ۱۵ هزار تومان اولیه باد هوا می شود. و بالاخره در کالج درجه سوم می نویسد و گذرنامه اش نیز از طرف کنسولگری ایران به گذرنامه تحصیلی تبدیل می شود. فرهاد چون می داند که با هدر دادن چهل هزار تومان قرار دادی دیگر به هیچ وجه از ایران پولی نخواهد رسید. به محض این که پس از یک سال و نیم در آمریکا کمی زبان یاد می گیرد به فکر پیدا کردن کاری می افتد و در رستورانی به کار مشغول می شود. هدف اصلی فرهاد بدست آوردن پول برای تفریح بیشتری است، بعضی دخترها در آمریکا به پول بیشتر و اتومبیل مجلل تر توجه خاصی دارند فرهاد در راه بدست آوردن دلار بیشتر و تبدیل مدل اتومبیل خود جهت رسیدن به مقصود همه چیز را فدا می کند: تحصیل بهانه است و جنبه فرعی دارد فرهاد فقط می خواهد حداقل میزان درسی را که در سال برای شناختن وی به عنوان دانشجو لازم است بخواند تا گذرنامه اش باطل نشود و کار به مرحله اخراج از آمریکا نرسد.

اما فرهاد که در حال عادی استعداد و حوصله درس خواندن نداشت با شروع به کار و اوقاتی که صرف تفریح می کند اصلاً نمی تواند درس بخواند. با مشورت چند دوست نااهل دیگر، برای اقامت دایم در آمریکا به فکر ازدواج با یک زن آمریکایی می افتد.

هدف این ازدواج فقط تبدیل گذرنامه و ادامه اقامت در آمریکا و تهیه مقدمات تابعیت آمریکا است. ولی خانواده دختر آمریکایی کمی پس از انجام تشریفات عقد از حقه بازی و حيله فرهاد آگاه می شوند و به اداره مهاجرت آمریکا می نویسند چون هدف ازدواج فرهاد تغییر تابعیت بوده اقدام به فسخ ازدواج شود و یا حکم طلاق قانونی از دادگاه صادر گردد.

به این ترتیب فرهاد خان دست از پا درازتر از آمریکا باز می‌گردد و بیش از پیش موجب سرشکستگی فامیل خود می‌شود.

چهارمین و آخرین نمونه‌ای که می‌خواهم به شما معرفی کنم «فریدون» است که هم اکنون در آمریکا اقامت دارد. فریدون در خانواده‌ای متوسط در تهران پرورش یافته و روزهای تعطیل هم از لحاظ معاشرین و دوستانش تحت نظارت محبت آمیز پدر و مادر بوده است. تا سن هیجده سالگی کلیه نمرات امتحانش فوق العاده خوب بوده و اولیای مدرسه‌ای که در آن تحصیل می‌نماید از لحاظ تحصیل و نظم و ترتیب و حضور و غیاب کاملاً از او راضی هستند.

هدف او از کلاس ششم متوسطه رفتن به آمریکا است و یکی از افراد فامیل که در آمریکا تحصیل کرده در این مورد او را راهنمایی می‌کند. فریدون زبان انگلیسی را به خوبی فرا گرفته و به محض پایان تحصیلات متوسطه مدارک خود را به یک دانشگاه نسبتاً کوچک ولی منظم و خوش‌نام در ناحیه جنوب شرقی آمریکا می‌فرستند و به فاصله دو ماه پذیرش تحصیلی در رشته مهندسی دریافت می‌دارد.

پدر و سایر افراد خانواده از آسایش کامل خود چشم می‌پوشند و با فداکاری قابل تحسینی برای فرستادن طفل خود به آمریکا عزم جزم می‌کنند. فریدون در سال اول تحصیل در ریاضی و جبر و هندسه استعداد خارق العاده‌ای نشان داده و با وجود همه مشکلات انطباق با محیط جدید و توجه خاص اولیای دانشگاه را نسبت به هوش و استعداد و علاقه خود جلب می‌نماید.

پدر و مادر فریدون چنین می‌اندیشند: اگر در تابستان سال اول و دوم فریدون به جای ادامه تحصیل در دوره‌های خاص تابستانی مشغول کار شود فقط دو بیست سیصد دلار پول بدست خواهد آورد اما در عوض شش ماه دیرتر تحصیل را به پایان خواهد رسانید. در صورتی که اگر زودتر تحصیل خود را به پایان برساند می‌تواند در برابر یک ماه کار در یکی از موسسات صنعتی حداقل ۵۰۰ دلار بدست آورد.

بنابراین ارزش دارد که در ایران پول تومانی سه شاهی قرض کنیم و به این سرمایه

گذاری مطمئن و بدون دغدغه براساس استعداد ذاتی و اکتسابی فریدون پردازیم. پنج سال بعد، هنگامی که فریدون بیست و چهار سال بیش ندارد با اخذ درجه فوق لیسانس در رشته مهندسی به واسطه سابقه درخشان و فوق العاده خوب تحصیلی در همان دانشگاه به سمت دانشیار برگزیده می‌شود و ضمن کسب افتخار برای خود و خانواده و کشورش با دریافت حقوق مکفی به تحقیقات و تتبعات علمی خود ادامه می‌دهد. این بود نمونه‌ای چند از وضع زندگی و کار و تحصیل دانشجویان غیرنظامی ایرانی در آمریکا که امیدوارم مورد استفاده خانواده‌هایی قرار بگیرد که قصد دارند فرزندان خود را برای تحصیل به آمریکا بفرستند.

مسافرت در آمریکا

یادداشت‌های زیر بطور عمده مربوط به غیر نظامیانی است که به آمریکا مسافرت می‌نمایند ولی در مواردی می‌تواند مورد استفاده نظامیان نیز قرار گیرد. برای مسافرت به آمریکا، مانند هر کشور دیگری در دست داشتن گذرنامه و ویزای آن از طرف کنسولگری‌های آمریکا ضروری است. برای این که گذرنامه یک نفر از طرف کنسولگری‌های آمریکا ویزا شود، علاوه بر شرایط دیگر، باید بیش از شش ماه از اعتبار آن باقی مانده باشد. بنابراین اگر اعتبار آن باقی مانده باشد. به فرض این که کسی برای مدتی کوتاه‌تر از اعتبار گذرنامه قصد اقامت در آمریکا داشته باشد باید قبلاً برای تمدید آن اقدام نماید.

از شرایط دیگر ویزای گذرنامه از طرف مقامات کنسولگری آمریکا این است که باید بر ضد آبله تلقیح نموده از ریتین خود برای اطمینان از سلامت آنها و عدم ابتلاء به بیماری سل عکس بگیرند. همچنین باید مدارکی ارائه دهید که توانایی شما را به تامین هزینه سفر و اقامت در آمریکا ثابت نماید و بالاخره اگر به عنوان تحصیل قصد مسافرت به آمریکا را دارید از مدرسه یا دانشگاهی که در آن تحصیل خواهید کرد پذیرش داشته باشید.

رایج‌ترین و آسان‌ترین وسیله مسافرت به آمریکا با هواپیما است ولی بعضی‌ها برای این که خرج سفر کمتری داشته باشند از طریق زمینی به اروپا رفته از یک بندر اروپایی با کشتی عازم آمریکا می‌شوند. هزینه مسافرت با اتومبیل و کشتی ممکن است تا سی درصد کمتر از هواپیما باشد، ولی در حدود بیست روز مدت مسافرت و هزینه بین راه راه هم نباید فراموش کرد.

ورود لباس و هرگونه وسایل شخصی به آمریکا، آزاد است، و کافی است قید کنید که آن چه همراه دارید لوازم شخصی است. البته در مورد اشیاء گران قیمت و جواهرات او بطور کلی لوازمی که ارزش آنها بیش از سیصد دلار برآورد شود. باید متعهد شوید که تا سه سال قصد فروش آنها را ندارید و در مورد هدایایی که برای اشخاص دیگر همراه دارید باید گمرک بپردازید.

ورود بعضی کالاها به آمریکا ممنوع است که از آن جمله مواد مخدره و داروهای حاوی مواد مخدره و نشریات و عکس‌ها و کتب خلاف عفت عمومی را باید نام برد. ورود مشروبات الکلی و سیگار نیز به مقدار محدود و مصرف شخصی آزاد است و تعداد سیگاری که هر فرد بالغ می‌تواند همراه داشته باشد باید از سیصد عدد تجاوز ننماید.

ورود دام و محصولات کشاورزی و هر نوع گل و گیاه هم منوط به اجازه وزارت کشاورزی آمریکا است و این تدبیر از نظر جلوگیری از آفات نباتی و بیماری‌های دامی در آمریکا اتخاذ شده است.

پیش بینی از ورود به خاک آمریکا در هواپیما یا کشتی اوراقی بین مسافران توزیع می‌شود تا آن را پرکرده لدی ورود تسلیم مقامات گمرک نمایند. در پرکردن این اوراق باید نهایت دقت و صداقت را بکار برد. همچنین هنگامی که از محتویات چمدان شما سؤال می‌کنند باید حقیقت را بگویید. زیرا در صورتی که خلاف ادعای شما ثابت شود مزاحمت زیادی برای تان تولید خواهد شد.

لباس و لوازمی که در سفر آمریکا به آن احتیاج دارید تقریباً همان لباس و لوازمی

است که در ایران به کار می‌برید. البته اگر قصد اقامت یا مسافرت در ایالات شمالی آمریکا را دارید، باید در نظر داشته باشید که هوای این مناطق بطور کلی سردتر از تهران است و در فصل پاییز و زمستان باید لباس گرم‌تری برای خود تهیه نمایید.

اگر قصد اقامت نسبتاً طولانی در آمریکا دارید، لازم نیست لباس و لوازم زیادی با خود به آمریکا ببرید، زیرا پوشاک و وسایل زندگی در آمریکا بطور کلی از ایران ارزان‌تر و نوع و جنس آن هم بهتر است و به جای این که بار خود را در سفر سنگین کرده و پولی هم بابت اضافه بار بدهید بهتر است پول نقد بیشتری با خود ببرید و آن چه می‌خواهید در آمریکا خریداری نمایید.

در داخل آمریکا مسافرت از نقطه‌ای به نقطه دیگر راحت و بالنسبه ارزان است، راحت‌ترین و سریع‌ترین وسیله هواپیما است، ولی اکثر مردم با قطار راه‌آهن مسافرت می‌کنند، زیرا هم سریع و راحت و هم ارزان است. اگر عجله زیادی نداشته باشید می‌توانید با اتوبوس مسافرت کنید که ارزان‌ترین وسیله مسافرت در داخل آمریکا است و برای مسافر خارجی این مزیت را هم دارد که بیشتر و بهتر می‌تواند نقاط بین راه را تماشا کند.

برای گردش در آمریکا، البته اگر پول بیشتری داشته باشید هر نوع اتومبیلی را با شرایط سهل و آسان می‌توانید کرایه کنید. دفاتر کرایه اتومبیل در هر شهر و قصبه‌ای وجود دارد و معمولاً برکرایه روزانه یا هفتگی (که بطور متوسط روزانه حدود ده دلار و هفته‌ای حدود ۶۰ دلار می‌باشد) مبلغی هم بر حسب مسافت طی شده دریافت می‌نمایند. این اتومبیل‌ها در برابر سرقت و تصادفات بیمه‌اند و به همین جهت است که با شرایط سهل و ساده‌ای به همه کرایه داده می‌شود. البته شرکت‌های به اتفاق اتومبیل‌های مسروقه را کشف می‌نمایند و کمتر کسی در آمریکا به فکر سرقت اتومبیل‌های کرایه می‌افتد. کسانی که قصد مسافرت کوتاه مدتی در آمریکا دارند و از شهری به شهری دیگر مسافرت می‌نمایند ناچارند در هتل‌ها یا متل‌های بین راه اقامت نمایند متل‌ها که در خارج شهرها قرار گرفته مناسب‌تر و ارزان‌تر از هتل‌ها است و کرایه هر اطاق آن بطور متوسط برای یک نفر شش دلار و برای دو نفر هشت دلار می‌باشد.

هتل‌ها هم مثل همه جای دنیا درجات مختلف دارند که نرخ مجلل‌ترین و بهترین آنها در شهرهای بزرگی چون نیویورک و واشنگتن شبی ده تا ۱۵ دلار است و به هر حال گران‌تر از هتل‌های درجه اول تهران نیست. کرایه اتاق در هتل‌های کوچک و مناسب تاسه و چهار دلار هم می‌رسد.

برای اقامت طولانی‌تر در آمریکا، به خصوص اگر قصد توقف در نقطه معینی را داشته باشید کرایه یک اتاق یا آپارتمان و یا پانسیون شدن به صرفه نزدیکتر است. برای دانشجویان پانسیون‌های عمومی خصوصی وجود دارد که بهترین و ارزان‌ترین آنها خانه‌های بین‌المللی دانشجویان و پانسیون و مهمانخانه‌های معروف به «وای. ام. سی ای» می‌باشد. این مهمانخانه‌ها وابسته به یک جمعیت مذهبی است که برای راهنمایی جوانان بوجود آمده است. البته اگر دانشجویان از طرف دانشگاهی که در آن تحصیل می‌کنند پانسیون شوند و در محوطه دانشگاهی که به بکامپوس معروف است زندگی کنند بهتر می‌توانند تحصیل نمایند. در محوطه مجاور اکثر دانشگاه‌های بزرگ آمریکا ساختمان‌هایی برای اقامت دانشجویان بوجود آمده که اتاق به اتاق به یک یا دو دانشجو اجاره داده می‌شود و چند دانشجو نیز می‌توانند با هم یک آپارتمان را اجاره کنند.

هزینه معالجه در آمریکا نسبتاً گران است و به همین جهت بیمه بهداشتی به صرفه نزدیکتر می‌باشد. همچنین اگر قصد رانندگی در آمریکا را دارید بهتر است خود را برابر سوانح و تصادفات اتومبیل و خسارات شخص ثالث هم بیمه کنید، زیرا در صورت تصادف بدون بیمه ممکن است مجبور به تحمل مخارج سنگینی بشوید. در آمریکا هرکس می‌تواند با چند صد دلار یک اتومبیل دست دوم خریداری کند و پس از چند ماه استفاده آن را کمی ارزان تر بفروشد، ولی کسانی که به این فکر می‌افتند، بهتر است موقع خرید بیمه خود و اتومبیل و شخص ثالث را هم فراموش نکنند.

در آمریکا از هر نقطه‌ای به نقطه دیگر به سرعت و سهولت می‌توان تلفن کرد و تلفن‌های عمومی در همه جا در دسترس عموم قرار دارد برای تلفن‌های عمومی در داخل ایالات انداختن یک سکه ده سنتی در سوراخ تلفن کافی است و در مورد فواصل

دور که از مرکز وصل می‌شود. باریختن مبلغی که اپراتور می‌گوید ارتباط برقرار می‌شود. ارتباط تلفن با کشورهای خارج نیز با تعیین وقت قبلی امکان‌پذیر است. برای خرید در آمریکا مراجعه به فروشگاه‌های بزرگ بهتر و باصرفه‌تر از خرید از مغازه‌های کوچک است. مخصوصاً اگر در نیویورک قصد خرید داشتید خیلی مواظب خود باشید، زیرا بسیاری از فروشندگان مغازه‌ها در نیویورک کلاه‌برداران زبردستی هستند که اجناس بنجل را به دو یا سه برابر قیمت واقعی خود به خریدار قالب می‌کنند و اکثر آنها متخصص سرکیسه کردن مسافران و توریست‌های خارجی هستند. غذا در آمریکا در هتل و رستوران نسبتاً گران تمام می‌شود و خود آمریکایی‌ها هم غالباً در کافه تریاها یا سلف سرویس‌ها غذا صرف می‌کنند. بهای یک غذای ساده و شکم پرکن غالباً از یک دلار تجاوز نمی‌کند و اگر بخواهید غذای کامل تری بخورید پرداخت حداکثر دو دلار در سلف سرویس کافی است.

نکته مهم دیگری که مسافر خارجی نباید در آمریکا از نظر دور بدارد تغییر ساعات مناطق مختلف آمریکا است. اختلاف ساعات شرق آمریکا با ایران هفت ساعت و نیم یا هشت ساعت و نیم به فصول مختلف سال است. ولی اختلاف ساعت غرب آمریکا با ایران به دوازده ساعت و نیم می‌رسد. در آمریکا چهار ساعت محلی شرقی، مرکزی، میانه غربی و غربی وجود دارد. اگر از شرق به غرب سفر می‌کنید باید در هر منطقه یک ساعت ساعت خود را عقب بکشید و اگر از غرب به شرق حرکت می‌کنید در هر منطقه باید یکساعت ساعت خود را جلو ببرید.

خارجیان (غیرنظامی) مقیم آمریکا در آغاز هر سال باید آدرس کامل محل اقامت یا تحصیل خود را به اداره مهاجرت آمریکا بفرستند و همچنین هرگونه تغییر محل اقامت خود را در عرض سال باید به اطلاع اداره مهاجرت آمریکا برسانند.

بسیاری از کسانی که با گذرنامه عادی یا تحصیلی به آمریکا مسافرت می‌کنند تصور می‌نمایند که با مدتی اقامت در آمریکا می‌توانند به تبعیت آمریکا در آمده و بطور دائم در آن کشور زندگی کنند. در حالی که مقررات قانون مهاجرت آمریکا و شرایط تابعیت آن کشور بسیار پیچیده است و همه کس با هر شرایطی نمی‌تواند مقیم آمریکا شده یا به

تبعیت آن کشور درآید.

قانون مهاجرت آمریکا عده زیادی را از حق اقامت دایم در آمریکا محروم ساخته است که از آن جمله‌اند:

معتادین به مواد مخدر و الکلی‌ها، دیوانگان و کسانی که دچار اختلال مشاعر و یا عدم تعادل مغزی هستند - مجرمین و جنایکاران - کسانی که بیش از دو بار مرتکب تجاوز به عنف شده‌اند - آنها که بیش از یک زن دارند - کمونیست‌ها و آنارشیست‌ها و کسانی که قصد اخلال بر ضد امنیت آمریکا را دارند - کسانی که برای اشتغال به کار معینی به آمریکا می‌روند که کارگرو متخصص آن رشته در آمریکا به قدر کافی وجود دارد و اشتغال آن شخص به منافع کارگران آمریکا لطمه می‌زند - قاچاقچیان و فراریان از مالیات و کسانی که هنگام تابعیت آمریکا از خدمت و وظیفه فرار کرده‌اند - زنان هر جایی و کسانی که به قصد فحشاء یا کارهای خلاف عفت عمومی به آمریکا می‌روند...

به موجب قانون مهاجرت آمریکا که در سال ۱۹۲۴ تدوین شده تعداد کسانی که از هر نقطه جهان می‌توانند به آمریکا مهاجرت کنند محدود گردیده و برای بسیاری از کشورها در رقم یکصد مهاجر برای یک سال تثبیت گردیده است. (جانسون رئیس جمهور قبلی آمریکا در پیام آغاز سال ۱۹۶۵ خود به کنگره ایالات متحده آمریکا پیشنهاد کرد که قانون مهاجرت آمریکا از صورت فعلی خارج شود و به جای آن که تعداد مهاجران در مورد کشورهای مختلف محدود شود، مهاجرانی حق تقدم داشته باشند که برای آمریکا مفیدتر واقع شوند و یا بستگان و خویشاوندان نزدیکی در آمریکا داشته باشند.

مهاجران به طبقات مختلفی تقسیم می‌شوند. پنجاه درصد آنها از کسانی که رشته تخصصی و کارشان برای آمریکا سودمند است انتخاب می‌گردند و در مورد پنجاه درصد بقیه، کسانی که فرزندان متولد آمریکا است یا فرزندان اتباع آمریکا می‌باشند به شرط تجرد حق تقدم دارند. پس از اینها نوبت همسران و برادران و خواهران اتباع آمریکا می‌رسد. با توجه به این محدودیت‌ها و شرایط سخت یک نفر ایرانی که بخواهد بطور عادی و با دریافت گذرنامه مهاجرت برای اقامت دایم به آمریکا برود به آسانی در

این کار موفق نمی‌شود و کسانی هستند که بیست سال قبل در خواست مهاجرت به آمریکا را کرده و واجد شرایط لازم هم بوده‌اند ولی هنوز نوبت‌شان نرسیده است! کسانی که از هفت خوان گذشته و با دریافت گذرنامه مهاجرت به آمریکا می‌روند هنگام ورود به آمریکا مورد بازرسی و بازرجویی و معاینه بسیار دقیق قرار می‌گیرند و کسانی که واجد شرایط تشخیص داده نشوند، یا مبتلا به بیماری‌های خطرناکی باشند از آمریکا اخراج می‌شوند. افرادی که با گذرنامه مهاجرت وارد خاک آمریکا می‌شوند چنانچه در عرض پنج سال دچار بیماری‌های خطرناک یا اختلال مغزی شده و سربار جامعه گردند، یا مرتکب جنایتی شوند، یا به فعالیت‌های کمونیستی و آنارشیستی بپردازند، بطور خلاصه اگر عملی بر خلاف مقررات قانون مهاجرت از آنان مشاهده شود از آمریکا اخراج می‌شوند. حکم اخراج این قبیل افراد باید از طرف دادگاه صادر شود و چنانچه دادگاه متهم را به زندان محکوم نماید محکوم پس از خاتمه دوره زندان از آمریکا اخراج می‌گردد.

کسانی که اجازه مهاجرت و اقامت داریم در آمریکا داشته‌اند چنانچه در عرض ۵ سال مرتکب خلافی نشده باشند. پس از حداقل شش ماه اقامت در یکی از ایالات از دادگاه آن ایالت در خواست تابعیت آمریکا را می‌نمایند کسانی که تقاضای تابعیت آمریکا را می‌نمایند علاوه بر شرایط مربوطه به قانون مهاجرت آمریکا باید حتماً خواندن و نوشتن انگلیسی را نیر بدانند و امتحان مربوط به تاریخ آمریکا و طرز حکومت و قوانین آمریکا را بگذرانند.

از نکات جالب دیگر در قوانین مربوط به مهاجرت و تابعیت آمریکا این است که اگر طفلی از یک پدر و مادر خارجی در آمریکا متولد شود. آن طفل آمریکایی محسوب می‌شود و می‌تواند از تمام مزایای تبعیت آمریکا استفاده نماید. ولی اگر طفلی از یک خانواده آمریکایی در خارج از آن کشور به دنیا بیاید با آن که تبعه آمریکا محسوب می‌شود به عالی‌ترین مقام دولتی آمریکا نمی‌تواند برسد، زیرا یکی از شرایط انتخاب شدن به مقام ریاست جمهوری آمریکا این است که وی در خاک آمریکا بدنیا آمده باشد!